عملیات «دروازه آهنین» و آزمون همسایگان ایران

دیپلمات پیشین ایران، با اشاره به ادعای دونالد ترامپ درباره آغاز عملیات محاصره موسوم به «دروازه آهنین» علیه ایران، تأکید کرد این سناریو آزمونی سخت برای کشورهای همسایه است و رفتار آنها در قبال ملت ایران در حافظه تاریخی مردم ماندگار خواهد شد. وی همچنین بر ضرورت فعال‌سازی مرزها و بازارچه‌های مرزی برای تقویت امنیت اقتصادی کشور تأکید کرد. «سیدرسول موسوی» دیپلمات پیشین ایران در یادداشتی با اشاره به سناریو «دروازه آهنین» که دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا مدعی است در پی اجرای آن در مرزهای شمالی ایران است؛ اقدامی که هدف آن افزایش فشار اقتصادی بر ایران و محدود کردن مبادلات تجاری ایران عنوان شده است، نوشت: دونالد ترامپ، رییس جمهوری امریکا، شامگاه یکشنبه ۱۷ آبان در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد عملیات جدید محاصره تحت عنوان «دروازه آهنین» علیه جمهوری اسلامی، به تازگی آغاز شده است. وی بیان کرد که معنی عملیات دروازه آهنین این است که هیچ چیزی زمینی وارد ایران نخواهد شد و در کنار این عملیات، «با محاصره دریایی نیز هیچ چیز از راه آب وارد [ایران] نمی‌شود.» سفیر پیشین ایران در فنلاند در ادامه این یادداشت که کانال تلگرامی وی منتشر شده است گفت: خب، باز هم ترامپ به دنبال شکست در عملیات نظامی به سیاست افزایش فشار بر مردم با آرزوی خام کشاندن آنها به خیابان روی آورده است. اینکه امریکا چه می‌خواهد، یک بحث است، اینکه همسایگان در آشکار و نهان چه خواهند کرد، بحثی دیگر. اما کاملا روشن شود که عملیات دروازه آهنین آزمون سختی برای همسایگان است که با ملت ۹۰ میلیونی ایران چه رفتاری در پیش خواهند گرفت؟ موسوی گفت: برهه تاریخی خاصی است. حتما این دوره، کوتاه‌مدت و گذراست اما آثار آن در حافظه تاریخی ملت ایران ماندگار خواهد بود. تاریخ، اقدامات خوب یا بد ملت‌ها را در خصوص سایر ملیت‌ها فراموش نمی‌کند و در مواقع حساس فرصت‌های زیادی را برای جبران یا تلافی در اختیار مردم آسیب‌دیده قرار می‌دهد. همسایگان ایران نوع رفتار مردم ما را در مواقع سختی خود دیده‌اند و نمی‌توانند فراموش کنند که چگونه مردم ایران با آنها رفتار کرده‌اند و اگر اکنون دولت‌های حاکم در همسایگی رفتاری مغایر حافظه تاریخی مردم خود داشته باشند حتما با مردم خود دچار مشکل خواهند شد. امروز قدرت نرم ایران هم‌پای قدرت سختش افزایش قابل توجهی یافته است. قبول داشته باشیم یا نه تاثیری در این واقعیت ندارد که ایران سرنوشت انتخابات در امریکا را تعیین کرد و حتی در نتیجه انتخابات در رژیم صهیونیستی هم تاثیر زیادی داشت. وی ادامه داد: شرایط به گونه‌ای است که وقتی در کره جنوبی دولت این کشور تحت فشار امریکا می‌خواهد ناو جنگی خود را به دریای عمان بفرستد، مردم کره به خیابان‌ها می‌آیند و مانع اعزام ناو می‌شوند. امروز محکوم‌سازی جنایات امریکا در میناب و لامرد توسط مردم امریکا به یک روند سیاسی تاثیرگذار علیه وزیر جنگ امریکا تبدیل شده است. باور کنیم مقاومت مردم ایران در مقابل یورش وحشیانه امریکا و اسراییل، چراغ محبت و دوست داشتن سرزمین فیروزه را در دل‌های روشن مردم دنیا افروخته است و این همان قدرت نرم است. (ولو کره المُشرِکون.) این مقام پیشین وزارت امور خارجه ایران همچنین افزود: در دوره خدمت خود در وزارت امور خارجه بارها در صحبت‌های خصوصی مقامات از کشورهای مختلف از محبت مردم ایران به آن کشورها در طول تاریخ صحبت می‌کردند و اساسا کاری هم به نظام‌های سیاسی نداشتند. از دوران کوروش هخامنشی تا جمهوری اسلامی؛ مصادیق فراوان است و نیازی به بیان نیست. موسوی در ادامه به بیان خاطره‌ای از دوران خدمت خود در وزارت امور خارجه پرداخت و گفت: ممکن است بگویید ادعاست، اما مراجعه به رسانه‌ها و اخبار و گزارش‌های درج شده در آنها، صحبت‌های مرا تأیید خواهد کرد. وی ادامه داد من همیشه از سیاست همسایگی و داشتن روابط خوب با همسایگان در نظر و عمل حمایت کرده‌ام. در دورانی که در اداره کل آسیای غربی مسوولیت داشتم به‌طور جد کار کردم و تعداد مرزهای ایران و پاکستان را که از زمان استقلال این کشور تنها به یک مرز میرجاوه منحصر بود، به سه مرز افزایش دادیم و موافقتنامه گشایش ۹ بازارچه مرزی را امضاء کردیم. نمی‌توانم فراموش کنم که سال‌ها افتتاح دو مرز «ریمدان» و «پیشین» به دلایل غیرمنطقی متوقف بود و وقتی راه‌حلی ارایه دادم از جانب برخی تهدید شدم. اما در هر حال با حمایت خاص شهید امیرعبداللهیان کارها پیش رفت و شهید رییسی مرزها را افتتاح کردند و در بازارچه مرزی پیشین از نخست‌وزیر پاکستان استقبال کردند. صادقانه می‌گویم از نظر من متاسفانه برای فعال‌سازی مرزها و بازارچه‌های مرزی تلاش کافی نشده است.

ایران عزیز با سربلندی آزمون تاریخی امروز را پشت سر می‌گذارد

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی، فعال سیاسی و دبیرکل پیشین حزب اعتماد ملی در پیامی به مراسم بزرگداشت صدمین سالروز تولد زنده‌یاد آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری اصفهانی، نوشت: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون.
زندگی پر از امید و انگیزه در بحرانی‌ترین شرایط سیاسی و اجتماعی، جزئی از هنر ایرانی و رمز پویایی و پیروزی ایرانیان در مقابله با تجاوزها و تهدیدهای داخلی و خارجی است و قدرشناسی و تکریم نیکان و فرزانگان که عمر خود را در راه تحکیم هویت‌های اسلامی و ایرانی سپری کرده‌اند، یکی از آثار این فرزانگی و فرهیختگی است. من نیز به نوبه خود خرسندم که به مناسبت صدمین سالروز تولد برادر مجاهد و فقیدم مرحوم آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری اصفهانی، همصدا با ملت شریف، به‌ویژه دوستان و همراهان وفادارش یاد آن مجاهد نستوه و عالم عامل را که سراسر حیات شریفش نماد وفاداری و پایداری به حقیقت و آرمان‌های اسلام عزیز و تاکید بر کرامت انسان‌ها و اعتقاد به تقدم حقوق مردم بر همه اولویت‌ها و مصلحت‌های دیگر بود، گرامی می‌دارم. بر این باورم که ایران عزیز، با سربلندی و افتخار، آزمون تاریخی بزرگی را که گریبانگیر آن است شجاعانه پشت سر خواهد گذاشت و مجال پرداختن بیشتر به میراث فکری و مبارزاتی فرزانگانی که تاریخ معاصر ما با مقاومت و مجاهدت آنان رقم خورده است، فراهم خواهد آمد و ارزش‌آفرینی بزرگانی همچون آیت‌الله طاهری اصفهانی به نحو بایسته در معرض تحقیق، نقد و تجلیل منصفانه قرار خواهد گرفت. علو درجات آن اسلام‌شناس حق‌مدار و زندگی پرنشاط ملت مقاوم و حق‌جوی ایران را از حضرت احدیت مسئلت می‌نماییم.»

ایران و امریکا در مسیر مذاکره غیرمستقیم

تهران بر اصول خود ایستاده، واشنگتن با بن‌بست تصمیم‌گیری روبروست



تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به تنش و جنگ میان ایران و امریکا همچنان از مسیر میانجی‌ها ادامه دارد؛ با این حال، نشانه‌ای از آغاز مذاکرات مستقیم یا دستیابی به توافقی قطعی دیده نمی‌شود. قطر و پاکستان در هفته‌های اخیر نقش فعالی در انتقال پیام‌ها میان دو طرف داشته‌اند و تهران نیز طرحی را برای بازگشایی تنگه هرمز و فراهم کردن زمینه از سرگیری گفت‌وگوها روی میز گذاشته است. با وجود این، اختلاف بر سر پیش‌شرط‌ها و ترتیب اجرای تعهدات، مسیر رسیدن به توافق را دشوار کرده است. ایران تأکید دارد که بازگشت امنیت به تنگه هرمز و آغاز هر روند مذاکره‌ای باید با اجرای مجموعه‌ای از شروط همراه باشد؛ شروطی که از نگاه تهران به توقف جنگ، رفع محاصره دریایی، لغو تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده مربوط می‌شود. در مقابل، دولت امریکا بر این موضع پافشاری می‌کند که موضوع هسته‌ای ایران باید از همان ابتدای هر روند مذاکراتی مورد توجه قرار گیرد. همین اختلاف درباره نقطه شروع مذاکرات، اکنون به یکی از اصلی‌ترین موانع دیپلماسی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، اظهارات اخیر مقام‌های ایرانی دو پیام هم‌زمان دارد: تهران از مسیر گفت‌وگو خارج نشده و برای رسیدن به راه‌حل سیاسی اعلام آمادگی می‌کند، اما حاضر نیست مذاکره را به معنای عقب‌نشینی از مطالبات خود یا پذیرش فشارهای امریکا بداند. در سوی مقابل، واشنگتن با این پرسش روبروست که چگونه می‌تواند هم خواسته‌های خود درباره پرونده هسته‌ای را در اولویت قرار دهد و هم به توافقی برسد که به بحران تنگه هرمز و پیامدهای اقتصادی و امنیتی جنگ پایان دهد.

میانجی‌ها فعال‌اند، اما مذاکره مستقیم در کار نیست

آخرین تحولات نشان می‌دهد کانال ارتباطی میان تهران و واشنگتن همچنان فعال است، اما این ارتباط از طریق واسطه‌ها انجام می‌شود. قطر و پاکستان دو بازیگر اصلی این روند هستند و مقام‌های ایرانی نیز بارها از تماس مستمر با این دو کشور خبر داده‌اند. سفر هیات‌های دیپلماتیک، انتقال پیام‌ها و رایزنی درباره پیشنهادهای دو طرف، بخشی از تلاش‌هایی است که برای جلوگیری از بازگشت درگیری و یافتن راهی برای بازگشایی تنگه هرمز جریان دارد. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، اول نوامبر اعلام کرد رایزنی‌ها با میانجی‌های قطری درباره طرح دو روزه ایران ادامه دارد، اما هنوز نتیجه قطعی حاصل نشده است. او تأکید کرد که سفر هیات ایرانی به قطر با هدف ادامه رایزنی با میانجی‌ها انجام شده و اساسا برنامه‌ای برای مذاکره مستقیم با طرف امریکایی در این سفر وجود نداشته است. از نگاه وزیر خارجه، دستیابی به نتیجه به پاسخ‌هایی بستگی دارد که طرف مقابل به پرسش‌ها و مطالبات ایران ارایه می‌کند. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در نشست خبری ۱۸ آبان، ضمن تأیید تداوم ارتباطات، گفت ایران به‌طور مستمر با قطر و پاکستان در تماس است و از تلاش‌های این دو کشور برای تسهیل روند دیپلماتیک قدردانی می‌کند. او تأکید کرد که مبنای گفت‌وگوهای غیرمستقیم تهران و واشنگتن همان طرحی است که پیش‌تر از سوی ایران ارایه شده و همچنان روی میز قرار دارد. بنابراین، آنچه در حال حاضر جریان دارد را نمی‌توان مذاکره مستقیم یا حتی یک فرایند رسمی و تثبیت‌شده برای توافق نهایی توصیف کرد. دو طرف از طریق میانجی‌ها مواضع خود را منتقل می‌کنند و درباره امکان اجرای پیشنهادها رایزنی دارند، اما هنوز درباره چارچوب مشترک و ترتیب اقدامات به تفاهم نرسیده‌اند. گزارش‌های رسانه‌ای نیز از ادامه تلاش‌های قطر برای نزدیک کردن مواضع دو طرف حکایت دارد؛ هرچند مقام‌های امریکایی از نبود چشم‌انداز روشن برای توافقی فوری سخن گفته‌اند.

طرح هفت‌شرطی ایران؛ بازگشایی تنگه در برابر تغییر رفتار امریکا

بخش مهمی از اختلافات کنونی به طرح ایران برای بازگشایی تنگه هرمز مربوط است. تهران این طرح را ابتدا در قالب یک ابتکار هفت‌روزه مطرح کرد؛ پیشنهادی که بر اساس آن، در صورت اجرای شروط ایران از سوی امریکا، امکان بازگشایی تنگه در روز ششم و آغاز مراحل بعدی گفت‌وگو فراهم می‌شد. این ابتکار سپس در نسخه‌ای فشرده‌تر به طرح دو روزه تبدیل شد. بر اساس مواضع اعلام‌شده از سوی مقام‌های ایرانی، اجرای این طرح به اقداماتی از سوی واشنگتن وابسته است. گزارش‌های منتشرشده درباره هفت شرط ایران، مواردی مانند برقراری آتش‌بس در جبهه‌های منطقه‌ای، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران، لغو تحریم‌های بخش نفت، پایان دادن به محاصره دریایی، پرداخت غرامت جنگی، عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از مواضع پیرامونی ایران و توقف تهدیدها و مداخلات را در بر می‌گیرد. البته فهرست تفصیلی این شروط در گزارش‌های رسانه‌ای با صورت‌بندی‌های متفاوتی منتشر شده و تهران نیز همه جزییات مذاکرات و پیام‌های مبادله‌شده را به‌صورت عمومی تشریح نکرده است. موضع رسمی ایران این است که بازگشایی تنگه هرمز نمی‌تواند جدا از شرایط امنیتی و اقتصادی ایجادشده در پی جنگ بررسی شود. از نگاه تهران، نمی‌توان انتظار داشت ایران بدون دریافت تضمین درباره توقف اقدامات نظامی، رفع محاصره و کاهش فشارهای اقتصادی، به وضعیت پیش از بحران بازگردد. به همین دلیل، مقام‌های ایرانی تأکید می‌کنند که پیشنهاد تهران نه یک امتیاز یک‌طرفه، بلکه چارچوبی برای بازگشت امنیت به منطقه و آغاز روندی مرحله‌بندی‌شده است. بقایی در نشست خبری اخیر خود گفت طرح دو روزه ایران همچنان روی میز است و در صورت اجرای مطالبات تهران، می‌توان ظرف مدت کوتاهی امنیت را به تنگه هرمز بازگرداند. او با اشاره به اینکه کشتی‌های عبوری باید برای حفظ ایمنی با مراجع ذی‌ربط ایران هماهنگی کنند، مسوولیت ناامنی کنونی این آبراه را متوجه اقدامات نظامی امریکا و اسراییل دانست. سخنگوی وزارت خارجه همچنین تصریح کرد که تا زمانی که امریکا به اقدامات مداخله‌جویانه و غیرقانونی خود ادامه دهد، نمی‌توان انتظار بازگشت امنیت و ایمنی به تنگه را داشت.

اختلاف اصلی؛ تهران از توقف جنگ می‌گوید، واشنگتن پرونده هسته‌ای را پیش می‌کشد

با وجود ادامه تبادل پیام‌ها، اختلاف اصلی دو طرف بر سر موضوعاتی است که باید در اولویت مذاکرات قرار گیرد. ایران می‌خواهد ابتدا مساله جنگ، محاصره دریایی، تحریم‌ها و وضعیت تنگه هرمز تعیین تکلیف شود و پس از اجرای تعهدات اولیه، درباره موضوعات دیگر گفت‌وگو صورت گیرد. در مقابل، امریکا معتقد است پرونده هسته‌ای ایران باید از همان ابتدای روند مذاکرات در دستور کار قرار داشته باشد.
این اختلاف صرفاً بر سر فهرست موضوعات نیست؛ بلکه به ترتیب اجرای تعهدات و میزان اعتماد دو طرف به یکدیگر باز می‌گردد. تهران با استناد به تجربه مذاکرات پیشین و حملات نظامی در میانه روندهای دیپلماتیک، معتقد است ابتدا باید نشانه‌های عملی از تغییر رفتار واشنگتن مشاهده شود. از نگاه ایران، آغاز گفت‌وگو درباره پرونده هسته‌ای بدون تعیین تکلیف وضعیت جنگ و محاصره، به معنای بازگشت به مذاکراتی است که می‌تواند در شرایط فشار نظامی و اقتصادی ادامه پیدا کند.
واشنگتن اما مساله را به شکل دیگری می‌بیند. مقام‌های امریکایی بر این باورند که هر توافقی برای پایان دادن به بحران باید نگرانی‌های مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را نیز پوشش دهد. گزارش‌های منتشرشده از مواضع امریکا نشان می‌دهد این کشور خواهان تعیین تکلیف موضوعاتی از جمله سطح فعالیت‌های هسته‌ای ایران و امکان دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. در واقع، امریکا نمی‌خواهد توافقی درباره تنگه هرمز و توقف درگیری‌ها حاصل شود، اما پرونده هسته‌ای بدون چارچوب مشخص به مرحله بعد موکول بماند.
در همین زمینه، گزارش رویترز در پنجم نوامبر حاکی از آن بود که ایران از طریق قطر پیشنهادی هسته‌ای نیز به امریکا منتقل کرده است؛ با این حال، بررسی و گفت‌وگو درباره آن را به اجرای هفت مطالبه خود از سوی واشنگتن مشروط کرده است. بر اساس این گزارش، امریکا در حال بررسی پیشنهاد ایران بوده، اما مقام‌های امریکایی همچنان تأکید داشته‌اند که موضوع هسته‌ای باید در مذاکرات اولیه مطرح شود. این وضعیت نشان می‌دهد تهران در عین حفظ موضع خود درباره اولویت اجرای شروط، در را به روی طرح موضوع هسته‌ای نبسته است. با این حال، اختلاف بر سر زمان و چارچوب ورود به این پرونده همچنان پابرجاست. از همین رو، حتی اگر دو طرف در اصل ادامه ارتباطات دیپلماتیک توافق داشته باشند، رسیدن به توافق عملی بدون حل مساله ترتیب تعهدات دشوار خواهد بود.

اظهارات پزشکیان؛ مذاکره با عزت، نه بازگشت به وضعیت نه جنگ و نه صلح

در داخل ایران نیز اظهارات مسعود پزشکیان، رییس‌جمهوری، تصویری از رویکرد دولت به تحولات اخیر ارایه می‌دهد. پزشکیان روز ۱۸ آبان در مراسم هفتادودومین سالروز تأسیس شرکت صنایع شیر ایران، با اشاره به تحولات منطقه و آنچه توطئه‌های دشمنان برای ضربه زدن به ایران خواند، گفت مقام معظم رهبری دستور داده‌اند وضعیت نه جنگ و نه صلح پایان یابد.
او با تأکید بر امکان حل‌وفصل مسائل از مسیر دیپلماسی اظهار کرد: «ما می‌توانیم با عزت گفت‌وگو کنیم و با عزت موضوع را تمام کنیم.» رییس جمهوری در ادامه گفت ایران اهل گفت‌وگو و مذاکره است و اگر امکان دستیابی به حقوق کشور از طریق مذاکره وجود داشته باشد، منطق حکم می‌کند که کشور خود را درگیر جنگ نکند؛ اما در مقابل زور و قلدری نیز تسلیم نخواهد شد.
پزشکیان با اشاره به سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل نیز بر آمادگی ایران برای گفت‌وگو بر اساس عدالت و در شرایط برابر تأکید کرد. این موضع را می‌توان تلاشی برای تفکیک میان اصل مذاکره و پذیرش خواسته‌های طرف مقابل دانست. دولت از یک سو اعلام می‌کند که دیپلماسی همچنان گزینه مطلوب برای حل بحران است و از سوی دیگر، تأکید دارد که مذاکره باید بر مبنای احترام متقابل و حفظ حقوق ایران انجام شود.
اهمیت این اظهارات در آن است که رییس جمهوری، پایان وضعیت نه جنگ و نه صلح را به معنای ضرورت تعیین تکلیف شرایط موجود می‌داند؛ وضعیتی که نه به یک توافق پایدار منجر شده و نه امکان بازگشت کامل به شرایط عادی را فراهم کرده است. در چنین شرایطی، ادامه بلاتکلیفی می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی جنگ را افزایش دهد و فضای تصمیم‌گیری در داخل کشور را نیز دشوارتر کند.
پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود، حل مشکلات کشور را به اصلاح عملکرد داخلی و افزایش ظرفیت تولید مرتبط دانست. او تأکید کرد که تاب‌آوری و استقلال کشور با افزایش تولید و تأمین نیازهای داخلی تقویت می‌شود و دولت موظف است برای رفع مشکلات مردم، به‌ویژه در حوزه تأمین غذا و دارو، تلاش کند. این بخش از سخنان رییس جمهوری نشان می‌دهد که از نگاه دولت، مدیریت پیامدهای جنگ و تقویت توان داخلی، در کنار پیگیری مسیر دیپلماسی قرار دارد.

بقایی: خواسته‌های ایران غیرمنطقی نیست؛ حمله در میانه مذاکره غیرمنطقی بود

اظهارات سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری ۱۸ آبان، موضع رسمی تهران را درباره انتقادهای امریکا روشن‌تر کرد. بقایی در واکنش به سخنان مارکو روبیو، وزیر خارجه امریکا، که خواسته‌های ایران را غیرقابل قبول و غیرمنطقی توصیف کرده بود، این پرسش را مطرح کرد که کدام‌یک از مطالبات ایران غیرمنطقی است: پایان دادن به تحریم‌های غیرقانونی، توقف محاصره دریایی یا متوقف شدن جنگ در همه ابعاد؟
او با اشاره به حمله امریکا به ایران در جریان مذاکرات، این اقدام را غیرمنطقی و غیرقانونی توصیف کرد و گفت توافقی که در قالب تفاهم اسلام‌آباد شکل گرفته بود، بیش از دو هفته دوام نیاورد. از نگاه بقایی، مساله اصلی این است که امریکا باید درباره تعهدات خود و اقداماتی که به بی‌اعتمادی میان دو طرف منجر شده، پاسخ‌گو باشد.
بقایی همچنین در واکنش به اظهارات روبیو درباره موکول نشدن مساله ایران به دولت بعدی امریکا، با لحنی انتقادی پاسخ داد: «کدام دولت؟ باش تا صبح دولتت بدمد!» این واکنش در کنار انتقادهای دیگر سخنگوی وزارت خارجه، نشان می‌دهد تهران تلاش دارد مسوولیت بن‌بست کنونی را متوجه واشنگتن کند و تأکید کند که تصمیم برای ادامه یا توقف مسیر دیپلماسی در اختیار طرف امریکایی است.
سخنگوی وزارت خارجه همچنین به پیامدهای جنگ برای افکار عمومی امریکا اشاره کرد و گفت مقام‌های این کشور باید پیام مردم خود را درک کنند. او مدعی شد مقاومت ایران مانع از آن شده است که دولت امریکا بتواند جنگ را به عنوان یک پیروزی به افکار عمومی خود معرفی کند. بقایی با اشاره به تحولات سیاسی داخلی امریکا، تأکید کرد که برای ایران تفاوتی میان احزاب و جریان‌های سیاسی این کشور وجود ندارد و تهران در دهه‌های گذشته از هر دو طیف سیاسی امریکا آسیب دیده است.
این موضع از یک جهت نیز اهمیت دارد: ایران تلاش می‌کند اختلاف خود را با دولت امریکا صرفاً به اختلاف بر سر یک توافق محدود نکند، بلکه آن را در چارچوبی گسترده‌تر از تجربه بی‌اعتمادی، تحریم‌ها و اقدامات نظامی واشنگتن توضیح دهد. به همین دلیل، حتی تغییرات در فضای سیاسی امریکا نیز به تنهایی برای تغییر نگاه تهران کافی نیست و آنچه اهمیت دارد، تغییر عملی در سیاست‌های دولت این کشور عنوان می‌شود.

امریکا در تنگنای انتخاب؛ توافق بدون پرونده هسته‌ای یا تداوم بحران؟

مجموع تحولات اخیر نشان می‌دهد دولت امریکا با یک مساله چندوجهی روبروست. از یک سو، واشنگتن می‌خواهد پرونده هسته‌ای ایران را در مرکز هر توافق احتمالی قرار دهد و از پذیرش توافقی که صرفاً به بازگشایی تنگه هرمز و توقف درگیری‌ها محدود باشد، پرهیز می‌کند. از سوی دیگر، ادامه بحران در تنگه هرمز و اختلال در جریان انرژی و تجارت جهانی، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی قابل توجهی ایجاد کرده است.
گزارش‌های اخیر رسانه‌های بین‌المللی از افزایش تلاش میانجی‌ها برای رسیدن به توافق حکایت دارد، اما هم‌زمان مقام‌های امریکایی درباره امکان دستیابی سریع به توافق ابراز تردید کرده‌اند. رویترز در گزارش نهم نوامبر خود نوشت که نخست‌وزیر قطر قرار است با دونالد ترامپ در واشنگتن دیدار کند و تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ شدت گرفته است؛ با این حال، واشنگتن پیشنهاد اخیر ایران را نپذیرفته و روبیو مفاد آن را غیرواقع‌بینانه توصیف کرده است. این گزارش همچنین از نبود چشم‌انداز روشن برای دستیابی فوری به توافق خبر می‌دهد. از منظر سیاسی، دولت امریکا با دو مطالبه روبروست که جمع کردن آنها در یک چارچوب واحد آسان نیست: از یک طرف باید به بحران تنگه هرمز و پیامدهای اقتصادی و امنیتی آن پاسخ دهد و از طرف دیگر می‌خواهد توافقی به دست آورد که پرونده هسته‌ای ایران را نیز تعیین تکلیف کند. اگر واشنگتن بر ورود فوری به موضوع هسته‌ای پافشاری کند، احتمالاً با مقاومت ایران در برابر تغییر ترتیب مذاکرات مواجه خواهد شد. اگر هم برای حل بحران تنگه هرمز از این شرط عقب‌نشینی کند، ممکن است از نگاه خود، بخشی از اهرم فشارش را از دست بدهد. به این ترتیب، بن‌بست کنونی را می‌توان بیش از آنکه ناشی از نبود کانال ارتباطی بدانیم، حاصل اختلاف بر سر ماهیت توافق و ترتیب اجرای تعهدات ارزیابی کنیم. ایران می‌گوید ابتدا باید شرایط جنگی و فشارهای اقتصادی پایان یابد و سپس درباره پرونده‌های دیگر مذاکره شود؛ امریکا می‌خواهد پرونده هسته‌ای از ابتدا در متن توافق قرار بگیرد. تا زمانی که یکی از دو طرف حاضر به تغییر این اولویت‌بندی نباشد، فعالیت میانجی‌ها به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده پیشرفت باشد.

منطقه و پرونده‌های باز؛ از غزه تا لبنان و عراق

تحولات منطقه‌ای نیز بر پیچیدگی مذاکرات ایران و امریکا افزوده است. تهران تأکید دارد که توقف درگیری‌ها نباید تنها به یک جبهه محدود شود و وضعیت لبنان و دیگر عرصه‌های منطقه‌ای نیز باید در هر توافقی مورد توجه قرار گیرد. بقایی در نشست خبری اخیر خود با اشاره به ادامه حملات اسراییل در غزه و کرانه باختری، از اجرا نشدن کامل تفاهم شرم‌الشیخ انتقاد کرد و گفت از ۶۰۰ کامیونی که قرار بود روزانه وارد غزه شوند، تنها حدود ۱۲۰ تا ۱۲۲ کامیون وارد می‌شوند. او همچنین نسبت به افزایش حملات در جنوب لبنان ابراز نگرانی کرد.
از نگاه تهران، ادامه درگیری‌ها در منطقه با ادعای تلاش برای برقراری ثبات و امنیت سازگار نیست. به همین دلیل، ایران توقف جنگ در همه ابعاد را یکی از پیش‌شرط‌های خود برای هر روند دیپلماتیک می‌داند. این رویکرد دامنه توافق احتمالی را از یک تفاهم دوجانبه درباره تنگه هرمز فراتر می‌برد و به مجموعه‌ای از بحران‌های منطقه‌ای پیوند می‌زند؛ موضوعی که طبیعتاً دستیابی به توافق را دشوارتر می‌کند.
در کنار این مسائل، فشار امریکا بر روابط ایران با کشورهای همسایه نیز یکی دیگر از موضوعات مورد اشاره بقایی بود. او در واکنش به گزارش‌هایی درباره محدودیت‌های اعمال‌شده بر گذرگاه‌های مرزی ایران و عراق، تأکید کرد فشارهای خارجی نباید پیوندهای دیرینه دو کشور را مخدوش کند. این موضع نشان می‌دهد تهران در کنار مسیر مذاکره با واشنگتن، حفظ روابط منطقه‌ای و کاهش اثرگذاری فشارهای امریکا بر همسایگان را نیز دنبال می‌کند.

دیپلماسی باز است، اما تصمیم نهایی هنوز گرفته نشده است

در مجموع، آخرین تحولات نشان می‌دهد ایران و امریکا هنوز از مسیر دیپلماسی خارج نشده‌اند، اما فاصله مواضع دو طرف همچنان قابل توجه است. تهران طرح خود را برای بازگشایی تنگه هرمز ارایه کرده، از طریق قطر و پاکستان پیام‌ها را مبادله می‌کند و آمادگی خود را برای گفت‌وگو اعلام کرده است. در عین حال، بر اجرای شروطی تأکید دارد که آنها را لازمه پایان دادن به وضعیت جنگی و بازگشت امنیت می‌داند.
واشنگتن نیز از ادامه تلاش‌های دیپلماتیک آگاه است، اما همچنان بر ضرورت طرح پرونده هسته‌ای در ابتدای مذاکرات پافشاری می‌کند و پیشنهاد ایران را با شرایط فعلی نپذیرفته است. به همین دلیل، نه می‌توان از شکست کامل دیپلماسی سخن گفت و نه نشانه‌ای قطعی از نزدیک بودن توافق وجود دارد.
اظهارات پزشکیان درباره ضرورت پایان دادن به وضعیت نه جنگ و نه صلح و تأکید بقایی بر آمادگی ایران برای اجرای طرح دو روزه، نشان می‌دهد تهران همچنان مسیر سیاسی را باز نگه داشته است. با این حال، پیام اصلی مقام‌های ایرانی این است که مذاکره باید بر اساس اصول و حقوقی که ایران مطرح می‌کند پیش برود، نه بر مبنای پذیرش فشار و خواسته‌های یک‌طرفه.
اکنون بخش مهمی از مسوولیت تعیین مسیر آینده بر عهده واشنگتن است. امریکا باید تصمیم بگیرد آیا حاضر است ابتدا درباره توقف جنگ، محاصره و تحریم‌ها به تفاهم برسد و سپس پرونده هسته‌ای را در چارچوبی جداگانه یا مرحله بعد دنبال کند، یا همچنان بر ورود فوری به این پرونده اصرار خواهد کرد. تا زمانی که پاسخ روشنی به این پرسش داده نشود، میانجی‌ها همچنان پیام‌رسان خواهند بود، اما مسیر توافق نهایی در ابهام باقی می‌ماند.

چرا گلدمن ساکس پیش‌بینی قیمت‌ها را کاهش داد؟

چشم‌انداز نزولی طلا

پیش‌بینی بانک گلدمن ساکس درباره قیمت طلا کاهش یافته و بانک جهانی نیز پیش‌تر اعلام کرده بود که انتظار دارد متوسط قیمت طلا در سال ۲۰۲۸ به چهار هزار دلار در هر اونس برسد.
بانک گلدمن ساکس به تازگی پیش‌بینی خود از قیمت طلا در پایان سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ را تعدیل و دلیل آن را افزایش احتمال اتخاذ موضع سختگیرانه از سوی بانک مرکزی امریکا (فدرال رزرو) در قبال سیاست پولی و تاثیر آن بر تقاضای سرمایه‌گذاران برای طلا عنوان کرده است. با این حال، چشم‌انداز بلندمدت این بانک سرمایه‌گذاری برای طلا همچنان مثبت است که تداوم خرید قابل توجه بانک‌های مرکزی عمده عامل آن محسوب می‌شود.
تحلیلگران گلدمن ساکس هدف قیمت طلا در پایان سال ۲۰۲۶ را از ۴۶۵۰ به ۴۱۵۰ دلار در هر اونس کاهش دادند. پیش‌بینی این بانک برای پایان سال ۲۰۲۷ نیز از ۵۴۰۰ به ۴۸۰۰ دلار در هر اونس کاهش یافته است. پیش‌بینی‌های جدید گلدمن ساکس بر این فرض استوار است که موضع سختگیرانه‌تر فدرال رزرو، از جمله افزایش احتمالی نرخ بهره در ماه دسامبر، تقاضا برای طلا به عنوان پوششی در برابر کاهش ارزش ارزها و مخاطرات گسترده‌تر ناشی از سیاست‌های اقتصادی را محدود خواهد کرد.

افزایش نرخ بهره، کاهش جذابیت طلا

گلدمن ساکس انتظار دارد که تقاضای سرمایه‌گذاران برای طلا به عنوان سپری در برابر ابهامات پولی و مالی، به میانگین‌های تاریخی بازگردد و دیگر به سطوح بالایی که در اوایل سال ۲۰۲۶ مشاهده شد، نرسد. این بانک شرایط کنونی بازار را با سال ۲۰۲۲ مقایسه کرده است؛ زمانی که خریدهای گسترده بانک‌های مرکزی از قیمت طلا حمایت می‌کرد، اما نرخ‌های بهره بالاتر تقاضای سرمایه‌گذاری برای این فلز گرانبها را محدود ساخت. به‌طور معمول، افزایش هزینه استقراض جذابیت طلا را کاهش می‌دهد، زیرا این فلز گرانبها سود یا درآمد دوره‌ای ایجاد نمی‌کند.

خرید بانک‌های مرکزی همچنان مهم‌ترین پشتوانه قیمت طلا

گلدمن ساکس به‌رغم کاهش پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت، همچنان تقاضای بانک‌های مرکزی را یکی از عوامل ساختاری مهم در تعیین قیمت طلا می‌داند. این بانک انتظار دارد که بانک‌های مرکزی در طول سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷، ماهانه حدود ۶۰ تُن طلا خریداری کنند؛ رقمی که به‌مراتب بالاتر از متوسط ۱۷ تُن در ماه پیش از سال ۲۰۲۲ است. طبق برآورد کنونی گلدمن ساکس میزان خرید فعلی بانک‌های مرکزی اکنون حدود ۸۵ تُن در ماه است. گلدمن ساکس یادآور شده است که بانک‌های مرکزی اقتصادهای نوظهور، به‌ویژه چین، در مقایسه با اهداف بالقوه بلندمدت خود برای ذخایر ارزی، همچنان سهم نسبتا پایینی از ذخایر خود را به طلا اختصاص داده‌اند.
به گفته تحلیلگران گلدمن ساکس، «اما بحث به‌طور روزافزونی از این موضوع که آیا باید طلا داشت یا نه، به این سمت تغییر می‌کند که طلا را کجا باید نگهداری کرد؛ موضوعی که نشان‌دهنده نگرانی‌های گسترده‌تر درباره امنیت ذخایر و اعتماد میان کشورهاست.»

کاهش نرخ بهره فدرال رزرو می‌تواند در اواخر ۲۰۲۷ از طلا حمایت کند

گلدمن ساکس انتظار دارد که با آغاز کاهش نرخ‌های بهره از سوی فدرال رزرو، قیمت طلا از حمایت بیشتری برخوردار شود. اقتصاددانان این بانک پیش‌بینی می‌کنند که کاهش نرخ بهره از اواخر ۲۰۲۷ آغاز شود و تا اوایل ۲۰۲۸ ادامه پیدا کند؛ موضوعی که می‌تواند فشار بر طلا را کاهش و بار دیگر تقاضای سرمایه‌گذاران خصوصی را افزایش دهد.

پیش‌بینی بانک جهانی درباره طلا چیست؟

بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش «چشم‌انداز بازار کامودیتی» که اواخر اکتبر منتشر شد، پیش‌بینی کرده است که متوسط قیمت طلا در سال ۲۰۲۸ به چهار هزار دلار در هر اونس برسد. این نهاد جهانی بر این باور است که قیمت طلا هنوز جای بیشتری برای کاهش دارد؛ اما اگر ارقام این نهاد را با دقت بررسی کنیم، در می‌یابیم که بخش عمده این افت قیمت عملا رخ داده است. قیمت کنونی طلا فاصله چندانی با سطح پیش‌بینی‌شده برای سال ۲۰۲۸ ندارد.
بانک جهانی انتظار دارد که متوسط قیمت طلا در سال ۲۰۲۶ به ۴۶۰۰ دلار در هر اونس برسد که در مقایسه با متوسط ۳۴۴۲ دلاری سال گذشته، از افزایشی معادل ۳۳.۶ درصد حکایت دارد. این نهاد سپس پیش‌بینی می‌کند که قیمت طلا در سال ۲۰۲۷ با افت ۷.۶ درصدی به ۴۲۵۰ دلار و در سال ۲۰۲۸ با کاهش ۵.۹ درصدی دیگر به چهار هزار دلار برسد.
این ارقام اندکی پایین‌تر از پیش‌بینی ماه آوریل بانک جهانی هستند؛ زمانی که این نهاد میانگین قیمت طلا را برای سال جاری ۴۷۰۰ دلار و برای سال ۲۰۲۷ حدود ۴۳۰۰ دلار در نظر گرفته بود.
نکته دیگر اینکه پیش‌بینی‌های بانک جهانی نه قیمت هدف در پایان سال، بلکه بر پایه متوسط سالانه قیمت‌هاست. بنابراین، پیش‌بینی میانگین چهار هزار دلاری برای سال ۲۰۲۸ به این معنا نیست که طلا در تمام طول آن سال در همین محدوده معامله خواهد شد؛ بلکه ممکن است در مقاطع مختلف، بسیار بالاتر یا پایین‌تر از این سطح قرار گیرد.

چرا ممکن است پیش‌بینی بانک جهانی محقق نشود؟

بانک جهانی برای قیمت طلا هم ریسک‌های صعودی و هم ریسک‌های نزولی قائل است. تنش‌های ژئوپلیتیک یا تجاری تازه می‌تواند تقاضا برای طلا به عنوان دارایی امن را تقویت کند و قیمت‌ها را به سطوحی بالاتر از پیش‌بینی این نهاد برساند. در سوی مقابل، اگر نرخ‌های بهره بالاتر از حد انتظار باقی بمانند یا تنش‌ها در خاورمیانه به‌طور پایدار کاهش یابند، ممکن است قیمت طلا با فشار نزولی بیشتری روبرو شود.
تحلیلگران گروه فلزات گرانبهای شرکت آلمانی فناوری اطلاعات «هرائوس» دوم نوامبر، با استناد به داده‌های گروه بورس بازرگانی و کالای شیکاگو/CME، اعلام کردند که بازارها احتمال افزایش دوباره نرخ بهره فدرال رزرو در ماه دسامبر را حدود ۷۶ درصد برآورد می‌کنند.
این تحلیلگران همچنین از چین به عنوان یکی از منابع احتمالی حمایت از قیمت طلا اشاره کردند. تحلیلگران هرائوس در یادداشتی نوشته‌اند که «از سرگیری تقاضا از سوی چین می‌تواند پس از سقوط قیمت طلا به زیر چهار هزار دلار در هر اونس، به حمایت از قیمت‌ها کمک کند.»